

میزان برتری از نظر اسلام

(از دبیرستان علوی نجف)
بقلم حسین عزیزی سبزواری

دانشجویان اسلامی مینویسند

ترا بدهیم ولی برآستی که محمد ص کسی نبود که فریب این موهومات را خورد او هرگز بفکر این اشیاء نیفتاده و مقصودش نشر کلمه توحید بود مقصودش این بود که به مردم تقوی و فضیلت درستی و راستی و ... بیاموزد.

آری پیغمبر خود نمونه کاملی از تقوی و فضیلت بود چنانچه سیرتش را یکی از معجزات آنحضرت می‌شمارند او در نهایت بزرگی و فضیلت زندگی کرد هرگز بت نپرستید پیوسته بیاد خدا بود و هرروز علاقه‌اش از دنیا کاسته میشد وقتی که خیل سی

گرسنه می‌شد بشکم خود سنگ می‌بست و قتیکه جائی از پیراهنش پاره میشد خود می‌نشست و آنرا وصله میکرد با همه بدیده مهربانی مینگریست همه را تقدیس میکرد با بینوایان گرد یکسفره می‌نشست هرگز از کار گردن ابا نمیورزید بطوریکه اگر کسی او را نمیشناخت نمیتوانست او را از صحابه‌اش تمیز دهد بالاخره محمد کاملترین فرد بشریت و بارزترین نمونه یک انسان عالی و باتقوی بود.

او اخلاقی داشت که بی‌اختیار همه را بتعجب وامیداشت و این آیه میرساند که محمد ص تا چه اندازه با تقوی و صاحب اخلاق عالیه بود « انك لعلى خلق عظیم » و همچنین پروردگان دامن نبوت یعنی علی بن ابیطالب و فرزندان او و بقیه اهل بیت هریک نمونه‌ای بارز از تقوی و فضیلت بودند علی برادر و داماد و پسر عم پیامبر کسی بود که هرگز مال و منال دنیا حضرتش را نفرت و میگفت ای طلای زرد دیگری را بفریب . او هرگز در حق کسی ظلم نمیکرد بلکه با همه مهربان و رؤف بود از بیچارگان دستگیری میکرد به بینوایان کمک مینمود پیرزنان را یاری میداد و پیرمردان را یاور بود یتیمان را همچون پدری دلسوز بود و قتیکه

بقیه در صفحه ۳۰

بسیاری از ما شاید ندانیم که میزان برتری در اسلام چیست و آنها که میدانند کمتر عمل میکنند متأسفانه در دنیای کنونی میزان برتری را در چیزهائی بی‌اهمیت میدانند .

یکی میزان برتری را پول و ثروت میدانند و دیگری آنها در زور و جاه میبینند و سومی آنها در تژاد و رنگ و پوست می‌یابد و بالاخره در هر جای دنیا میزان برتری را چیزهائی از این قبیل میدانند در حالیکه برتری کسی بر کسی دیگر هیچگونه بستگی باین موهومات ندارد ، یعنی هرگز عاقلانه و عادلانه نیست که آدمی از راههائی از این قبیل بردیگری رجحان یابد .

اکنون میخواهیم بدانیم که اسلام میزان برتری را در چه میدانند آیا آنرا در رنگ پوست و تژاد و ... میبینند ؟ هرگز ، اسلام میزان برتری را تنها « تقوی و فضیلت » میشناسد . این آیه از قرآن بهترین مدعای ما است « یا ایما للناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرهکم عندالله اتقاکم » .

اسلام باوضع این قانون تبیض تژادی را از بین برد اسلام هرگز مال و منال و تخت و جاه را پایه برتری نمیداند ، محمد « ص » در روز جنگ بدر در پاسخ ابوجهل خطابهای ایراد فرمود و اینک شمه‌ای از آنرا نقل میکنیم :

« بکاخ نشینان خودپرست، بشروتمندان زرآلود ، بی‌زمانندگان اشراف و مشایخ بگوئید که بعد از این با سیاهان افریقا در پیشگاه عدالت مساوی خواهید بود » آری اسلام در این مورد تنها تقوی را در نظر دارد و قتیکه پیغمبر اسلام در مکه دعوت خود را آشکار ساخت قریش او را میگفتند از ما چه میخواهی مال و ثروت ؟ ریاست و آقائی ؟ خانه‌های خوب ؟ زنان زیبا ؟ هرچه را که خواهانی بگو

بقیه از صفحه ۲۳

بخلافت رسید غذایش نان جوین و خشک بود نانیکه هیچکس نمیتوانست آنرا بزیر دندان جود! وقتیکه میخواستند او را از این رفتار بازدارند و هنگامیکه میگفتند خلیفه مسلمین را این غذا سزاوار نیست او میگفت از آن ترسم که در کشور من کسی زندگی کند که سیر نشود و گرسنگی او را در فشار قرار دهد.

علی نخورد غذایی که سیر برخیزد

مگر که سیر خورد آنکه نیمسیر آمد آری چنین بود تقوای مردی که خدا و رسول خدا او را دوست دارند وقتیکه از جنگ صفین بازمیگشت بگورستان خارج کوفه رسید و سخنانی چند خطاب به مردگان گفت در آخر رو به پاراناش کرد و فرمود «اگر آنها را یارای سخن گفتن بود شما را میگفتند که بهترین توشه تقوی است» آری او پرورده کنار رسول خدا بود و همچنین بقیه معصومین هر یک به بهترین وجهی پرهیزکاری و فضیلت را در نظر داشتند.

اسلام آنچنانکه گفتیم تبعیضات نژادی را از بین برد و بین ارباب و رعیت سیاه و سپید بزرگ و کوچک فرق نگذاشت و فریاد برآورد (گرامی بر ایزد دادگر)

نباشد مگر پارسا کیش (تر)

دریکی از جنگها که مابین مسلمانان و کفار بود فرمانده سپاه زید بن حارثه غلام آزاد شده پیغمبر بود، اسلام بزرگی و اشرافیت را بصورتیکه در میان قبائل عرب بود از بین برداشت درجائی دیگر وقتیکه مسلمانان پیمان برادری میبستند همین زید با حمزه بن عبدالمطلب پیمان اخوت بست و در همین جنگ جعفر بن ابیطالب عموی پیغمبر و یکی دیگر از اشراف قریش مجبور بودند از یک بنده آزاد شده فرمانبرداری نمایند این حکایت بما میرساند که اسلام تاچه اندازه تبعیضات نژادی را از بین برد اساس برترتی را تقوی قرار داد امروزه در غرب رفتاریکه با سیاهپوستان میشود بر استی رقت انگیز و قابل تاسف است سفیدپوستان اروپا سیاهان را از یک حیوان پست تر میدانند بعضی از نویسندگان

سیاهپوست که ظلم و جور سفیدان را چشیده بودند کتابهایی در این باره نوشتند از مظلومی که نسبت بآنها میشد سخن راندند ولی هیچیک از اینها در قلوب سخت و بی رحم مردمان متمدن! دنیای غرب اثری نبخشید اگر اینرا یکی از خصائص تمدن بشماریم باید گفت که بی تمدنی بسی بهتر از این تمدن ساختگی و دروغین است امروزه قاره آفریقا غالباً مسلمان و معتقد بدیانت اسلام هستند. چرا؟ زیرا وقتیکه مزایا و خصائص این دین را می دیدند بدون قید و شرط تسلیم این دین مقدس میشدند خوب است مردم غرب که اینهمه دم از انسان دوستی میزنند اخلاق و رفتار خود را با سیاهان در نظر گیرند، آری باید دانست که اینان در لباس انسان دوستی و... بدترین و شوم انگیزترین جنایات را نسبت بانسانها روا داشتند امروزه وقتیکه میخواهند دختری را شوهر دهند هرگز سنجایی اخلاقی او را در نظر ندارند تنها بجهاات مادی یا بزیبائی و... می اندیشند - اما صفات خوب و ملکات عالییه انسانی را نادیده میگیرند در صورتیکه آن چیزیکه باید در زندگی زناشویی در نظر گرفته شود عفت و پاکدامنی زن شوهر است.

دختر امروز را که مادر فرداست -

طبعی باید بلند و فکری تابان

تا که به علم و هنر سپارد خاطر

نی به زر و سیم و لعل و گوهر و مرجان

عفت باید نه حسن صورت و قامت

تقوی باید نه کفش و جامه الوان

جان همان به که برتن تو کند فخر

خواهی ابریشمین و خواهی کتان

فلاسفه خیلی گوشش کرده اند «مدینه

فاضله» ای بسازند که در آن همه جهات انسانیت

در نظر گرفته شود اما تاکنون موفق نشده و

نخواهند شد.

در صورت بودن تقوی و پیروی از قوانین

مقدس اسلام میتوان باین کار دست زد در حالیکه

آنها در سر چیزهای دیگری میپرورانند.